

اشاره

از مهمترین و مقدس‌ترین امور در اسلام، ازدواج است. اما چرا در جامعه‌ی امروز ازدواج جوانان مشکل بزرگی به‌شمار می‌رود؟ آیا شرایط ازدواج سخت شده و یا دیدگاه‌های منفی و غربی ما باعث سخت شدن این امر مقدس شده است. این مقاله پاسخی به سؤالات و چالش‌های روبه‌روی نوجوان و جوان در مورد ازدواج است که به زبان بسیار ساده مطرح شده است. نویسنده که خود مدرس دانشگاه و مشاور دبیرستان‌هاست دیدگاه‌های خود را که از مکتب اسلام گرفته شده در این مقاله مطرح می‌کند. امید که معلمان و مخاطبان، با ارائه‌ی این مقاله برای دانش‌آموزان در درس دین و زندگی سوم درس خانواده، به سؤالات آنان پاسخ قانع‌کننده‌ای دهند.

مبارک باشد! مبارک یعنی با برکت؛ یعنی تمام‌نشدن، با دوام و ارزشمند. اگر می‌خواهیم ازدواجمان مبارک باشد، راهی ندارد جز این که مبارک بشویم. ارزشمندی خود را باور کنیم و بر آن بیفزاییم. قبل از این که به مراسم و لباس و عکاس بپردازیم، چند لحظه صبر کنید: مطمئن هستید که خودتان دارید انتخاب می‌کنید؟ مطمئن هستید که به اندازه‌ی کافی با هم صحبت کرده‌اید؟ صحبت‌هایی اساسی که به شناخت شما از ابعاد شخصیتی، اعتقادی، خانوادگی و اجتماعی همسر مورد نظرتان بینجامد؟ آیا بعد از این که به شناخت نسبتاً مناسبی رسیدید، به اندازه‌ی کافی برای فردای زندگی‌تان از خواسته‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود

ازدواج آسان، پاک، پایدار

مریم ادیب، کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی
مدرس در مجموعه کانون قرآن دانشگاه تهران و دبیر منطقه‌ی ۵ تهران

اول ذی‌الحجه سالروز ازدواج حضرت فاطمه زهرا و حضرت علی علیهما السلام مبارک باد

▲ کلیدواژه‌ها: بلوغ، ازدواج، مهریه، خانواده، تقسیم وظایف، محبت، نیاز.

داشته باشند، و در مواقعی نیز به اتفاق به دیدارشان بروید و به اندازه‌ی محدود و مناسب توقف داشته باشید که زیادی حضورتان آنان را خسته و احترام شما را خدشه‌دار نکند.

اگر مطمئن نیستید که خودتان انتخاب کرده‌اید و سرنوشت خود را به دست گرفته‌اید و باید برای ساختن خوش‌بختی روی پای خودتان بایستید و می‌خواهید هر مشکلی پیش آمد تقصیر را به گردن این و آن بیندازید، دست‌نگه‌دارید!

کسی که نمی‌داند خود انتخابگر زندگی است و با تنها انتخاب بزرگ زندگی‌اش بازی می‌کند و ناتوانی‌های فردایش را به گردن این و آن می‌اندازد، طفل کوچکی است که هنوز نیازمند مراقبت و نگاه‌داری است.

سن مناسب ازدواج، سن رسیدن به بلوغ است. طفل، بهانه‌گیر و زودرنج است و فقط بیشتر می‌خواهد و بیشتر هوس می‌کند. هرچه را که گران‌تر باشد، مد باشد، چشم‌گیر و دهان‌بازکن باشد و بقیه از آن تعریف کنند، برمی‌گزیند. آخر کسی که خودش را گران‌قیمت نمی‌داند، باید با قیمت و سابلش، حرفی برای مطرح کردن و رقابت با دیگران پیدا کند. اما شخص بالغ نیازمند پرداخت است نه دریافت. آماده‌ی شارژ کردن است، نه هنوز نیازمند شارژ شدن. همسری خردمند را برای زندگی انتخاب می‌کند و پای هر حرف بی‌ربط در مورد قیافه، ثروت و خریدهای بی‌اساس می‌ایستد.

در انتخاب همسر به دنبال یافتن خدایی کامل و متعالی نیست، بلکه با فهم کاستی‌های خودش و کاستی‌های دیگران، به انتخابی دست می‌زند که اخلاق، ایمان و اصالت اخلاقی خانواده در آن بررسی شده باشد. به گونه‌ای که او و همسرش بتوانند کلام هم را بفهمند، یکدیگر را دوست بدارند و نهال محبتشان را از فردای ازدواج، هر روز با اعتمادسازی و محبت‌سازی، مراقبت و بارور کنند.

کسی در ازدواج موفق است که خود برای زندگی‌اش هدف و برنامه‌ی درستی داشته باشد. سپس، هم هدف‌ها و برنامه‌هایش را، و هم آن‌چه را که از آن دوری می‌کند و نمی‌خواهد، با شخص مطرح‌شده در میان می‌گذارد تا تناسب و موافقتشان را با هم بررسی کنند.

نه این‌که فکر کنیم همین‌که از هم خوشمان آمده است، بقیه‌اش هم بعداً درست می‌شود! اگر اهداف و برنامه‌هایش را دانستی و او را همان‌طور که هست پذیرفتی، فردا اهل همراهی، همکاری و هماهنگی می‌شوی و آواز ناسازگاری و گلایه سر نمی‌دهی.

از طرف دیگر، تو هم باید در پی‌گیری درس و اشتغالات بتوانی همسر و فرزند و رابطه‌ی صمیمانه‌تان را اصل قرار دهی. هر دوی شما در رابطه‌تان چنان باشید که اگر مشکلاتی پیش آمد، بتوانید دیگر موضوعات را قربانی خاطر هم کنید. همیشه باید مراقب سطح روابط خوبمان و پس‌انداز عاطفی‌مان در صندوق دل هم باشیم؛ یعنی گرم، نزدیک، شوخ‌طبع، آسان‌گیر، زودگذشت، اهل تشکر و اهل عذرخواهی.

کسی که نمی‌داند خود انتخابگر زندگی است و با تنها انتخاب بزرگ زندگی‌اش بازی می‌کند و ناتوانی‌های فردایش را به گردن این و آن می‌اندازد، طفل کوچکی است که هنوز نیازمند مراقبت و نگاه‌داری است



صحبت کرده‌اید؟ گفته‌اید که دوست ندارید زندگی‌تان در گذراندن روزها و خوردن و گشتن و شادی‌ها و غم‌های گذرا خلاصه شود و می‌خواهید برای رشد کردن، دانستن، دین‌دارتر و با اخلاق‌تر شدن و برای ارتباط با فامیل و مردم و کمک به آن‌ها، برنامه داشته باشید؟

این‌که همسر را به معنی خدمت‌گزاری دست به سینه نمی‌بینید و می‌خواهید برای کمک به او، درک و رشد او و تشویق موفقیت‌هایش بکوشید. و نیز برای دچار نشدن به زودرنجی‌های خرد و بی‌پوده و خشم‌ها و بدقلقی‌ها، کتاب بخوانید و با افراد خردمند رفت‌وآمد کنید.

می‌خواهید با آدم‌های ارزشمند و خوش‌بخت و با اخلاق ارتباط تنگاتنگ داشته باشید؛ ضمن این‌که ارتباط خود را با خانواده‌ی دو طرف و فامیل در حد اعتدال و محترمانه حفظ کنید. این‌که لازم است خود خانم و آقا به اندازه‌ی نیاز به منزل پدر و مادرشان رفت‌وآمد



بیاپید بُت شکن عادت‌های ناخوشایند، خواهش‌های فکر نشده، و بی‌بندوباری‌ها باشیم تا به پیامبر و اهل بیت دوست‌داشتنی‌اش نزدیک شویم. اگر نگذاریم مجلس پیوند آسمانی‌مان با آلودگی گناه آسیب ببیند و فکر همه‌چیز را از قبل بکنیم، می‌توانیم آماده باشیم تا از اهل بیت و امام زمان (علیهم السلام)، و بزرگان دنیا و آخرت هم دعوت کنیم تا بیایند و برایمان دعا کنند و دستمان را در دست نیک‌بختی و مبارکی بگذارند.

اگر مایل هستید از امکانات شایسته و ارزان مراکز «ازدواج آسان» و مراکز تهیه‌ی جهیزیه استفاده کنید، با ایشان تماس بگیرید. همچنین اگر خودتان مایل هستید با در نظر گرفتن همه‌ی امور لازم، مراسمی مناسب را طراحی کنید، در هر دو صورت دانستن نکاتی زیر از تجربیات عروس و دامادها، ممکن است برایتان مفید باشد.

■ **سؤال:** آیا ازدواج‌های فعلی به اندازه‌ی گذشته از پایداری و شیرینی لازم برخوردارند؟

■ **جواب:** عواملی در جامعه‌ی فعلی وجود دارند که اگر افراد با فکر و دقت مراعات کنند، از زندگی پایدارتر و بهتری بهره‌مند می‌شوند:

۱. خوب است افرادی از خانواده‌های شایسته و با اخلاق را که توسط افراد معتمد و دارای شناخت معرفی می‌شوند، برای همسری در نظر گرفت و با رفت‌وآمدهای خانوادگی متعدد و پرسش‌های مکرر، از آداب و رسوم و عادات فرد و خانواده، به شناخت بیشتر رسید. آشنایی‌های بیرون از منزل و توجه به ظاهر و شرایط فرد، بدون دقت در احوالات خانواده، یا تحقیق مفصل از گذشته و زندگی معمول وی، باعث واردشدن لطمه‌های شدید و جبران‌ناپذیر می‌شود. خصوصاً بعضی به اسم دوستی و آشنایی قبل از ازدواج، رابطه برقرار می‌کنند و پس از مدتی معلوم می‌شود که نظرشان عوض شده و یا از اول، همه‌چیز بازیچه بوده است.

۲. مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «لا تغالوا بمهور النساء فتکون عداوه». مهر زنان را زیاد نکنید که موجب کدورت است.

مهریه‌های بالا یا خرج تراشی‌های ولع‌گونه‌ی دختر و خانواده‌اش، حتی برای ثروتمندترین خانواده‌های پسر، دل‌خوری و تنفر ایجاد می‌کند چه رسد به اکثر مردم که مال کنار گذاشته‌ای ندارند و باید با

کسی در ازدواج موفق است که خود برای زندگی‌اش هدف و برنامه‌ی درستی داشته باشد. سپس، هم هدف‌ها و برنامه‌هایش را، و هم آن‌چه را که از آن دوری می‌کند و نمی‌خواهد، با شخص مطرح‌شده در میان می‌گذارد تا تناسب و موافقتشان را با هم بررسی کنند



اما در سطح روابط پایین، یعنی جدی، خشک، سرد و طلبکارانه، با عادت به غر زدن و شکایت کردن، نان خالی هم اگر دریغ شد، و اگر خانه‌گریزی‌های بی‌بهبانه، مخفی‌کاری و دل‌سردی به‌وجود آمد، تعجبی نیست.

اگر ذخیره‌ی عاطفی همیشه پر باشد و کلمات و رفتارها در سطح بالا ارائه شوند، در این سطح رابطه می‌توان نشاط و سلامتی خود، همسر و فرزندان را تضمین کرد: گاه با توافق هم‌کاری را انجام دهیم و گاه به‌خاطر هم از کاری دست برداریم.

روابط خانوادگی حضرت فاطمه و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) برای همه‌ی کسانی که خواهان یک زندگی متعالی هستند، درس‌های ارزشمندی را ارائه می‌دهد. هر چند تاریخ نتوانسته و یا نخواسته است، به‌خوبی این روابط را ترسیم کند، اما آن‌چه برجای مانده نیز قابل توجه است. فاطمه زهرا (س) می‌دانست که علی (ع)، در محیط بیرون با چه مشکلاتی روبه‌روست. او برای ایجاد محیطی آرام و باصفا در خانه می‌کوشید و نه تنها سخنی که موجب پریشانی او بشود بر زبان نمی‌آورد، بلکه آن‌چه می‌گفت در جهت اهداف همسر فداکار و دلاورش بود.

امیرالمؤمنین علی (ع) موضوع را این‌گونه بیان می‌کند: «هیچ‌گاه، فاطمه از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجاند. او را به هیچ کاری مجبور نکردم و او نیز مرا آزرده نساخت. در هیچ امری، قدمی برخلاف میل باطنی من برداشت و هرگاه که به رخسارش نظاره می‌کردم، تمام غصه‌هایم برطرف می‌شد و دردهایم را فراموش می‌کردم» [بحارالانوار، ج ۴۳: ۱۲۳ و کشف‌الغمه، ج ۱: ۳۶۳].

در جایی دیگر می‌فرماید: «به خدا قسم! هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود. او نیز هیچ‌گاه مرا خشمگین نکرد» [کشف‌الغمه، ج ۱: ۳۶۳].

یکی از جلوه‌های زندگی مشترک امیرالمؤمنین علی (ع) و فاطمه زهرا (س) تقسیم مطلوب و وظایف ناشی از زندگی مشترک بود. مدت زیادی از ازدواج آن‌ها نگذشته بود که خدمت پیامبر (ص) رسیدند و از او تقاضا کردند که کارها را میان آن دو تقسیم کند. رسول خدا (ص) کارهای خانه را به فاطمه (س) سپرد و مسئولیت‌های خارج از منزل را به علی (ع) واگذار کرد.

بعد از این تقسیم کار بود که زهرا (س) بارها اظهار خشنودی کرد و رضایت خود را از این تقسیم کار ابراز داشت [بحارالانوار، ج ۴۳: ۱۵۳].

بی‌تردید، تقسیم‌بندی پیامبر (ص) بر مبنای ساختار روحی و جسمی و مصلحت اجتماعی آن‌ها بود.

اکنون وقت آن است که به آن‌چه ماندگار است اهمیت بدهیم و زوائدی را که فقط بحث، خرج و دل‌خوری می‌آورد و توجه‌مان را از مراقبت نیازها و احساسات یکدیگر دور می‌کند و به خودمحوری، تجمل‌پرستی و افزودن خواهش‌ها و رنجش‌ها می‌رساند، کنار بگذاریم. بگذار یکی باشد که مثل همه راه خطا و بی‌فکری را طی نمی‌کند.



روابط خانوادگی حضرت فاطمه و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) برای همه ی کسانی که خواهان یک زندگی متعالی هستند، درس های ارزشمندی را ارائه می دهد. هر چند تاریخ نتوانسته و یا نخواسته است، به خوبی این روابط را ترسیم کند، اما آن چه برجای مانده نیز قابل توجه است

مادران و مربیان اگر از اول فرزندان این آب و خاک را برای رسیدن به بلوغ و جایگاه همسری پرورش دهند و آن ها را با زندگی واقعی آشنا کنند، دو روز بعد از ازدواج با بهانه گیری های پوچ زندگی شان را به هم نمی زنند

قرض و ابروداری ازدواجی را برپا کنند). مادری که به دخترش می گوید باید این کارها را بکنیم تا قدرمان را بدانند و به ما احترام بگذارند، شاهد دختری تحقیر شده و ناکام در سال های زندگی اش خواهد بود که هر روز به خاطر این که روز خرید چرا آن طور خرید کردند، یا فیلم برداری، آرایشگاه و سالن را چرا فلان طور انتخاب کردند، یا چرا مهریه این قدر است، دعوا و درگیری دارد. اگر همه ی این کارها را به خاطر حرف مردم می کنیم، آن وقت مردم کجا هستند که زندگی جهنم شده ی ما را به وضع اول برگردانند؟

خوب است هر دو خانواده به رسومات و خواسته های هم احترام بگذاریم، برنامه هایی را که منطقی نمی دانیم به طرزی ظریف و زیبا مطرح سازیم و حرکت های خارج از کنترل پر خرج و غیر ضرور را انجام ندهیم. برای «بله برون» همه را خبر نکنیم و در مجلسی خصوصی و یا حتی تلفنی با شریطی آسان و منطقی به توافق برسیم و سپس مجلسی را برای آشنایی فامیل و اعلام مهریه تربیت دهیم. در مراسم عقد و عروسی همه چیز را تحت کنترل داشته باشیم و به همه ی میهمانان خصوصاً افراد حساس، توجه و احترام لازم مبذول داریم.

۳. مادران و مربیان اگر از اول فرزندان این آب و خاک را برای رسیدن به بلوغ و جایگاه همسری پرورش دهند و آن ها را با زندگی واقعی آشنا کنند، دو روز بعد از ازدواج با بهانه گیری های پوچ زندگی شان را به هم نمی زنند.

طفل کم طاقت و تند است. یک دستش را حائل صورت می گیرد که از کسی نخورد و با دست دیگر به همه ضربه می زند. همه چیز می خواهد، اما توانی برای دادن، بخشیدن و ساختن و ساخته شدن ندارد. دیگران را وسیله ای برای رفع نیازهایش می بیند. اگر به خواسته هایش نرسد، جار و جنجال می کند و همه چیز را زیر پا می گذارد. اما فرد بالغ هدفمند و اهل فکر است. کار کردن، برنامه ریزی، نشاط و خوش بینی را بارها و بارها در خانواده می بیند و تمرین می کند. از برخورد محترمانه و آرام درون خانواده احساس ارزشمندی می کند و این احترام را به دیگران نیز می گذارد. مشکلات را جزئی از زندگی می داند و برای قوی تر و خوش پر خورتر شدن خود، برای حل مشکلات اساسی می کوشد. از کنار مشکلات ریز و درشت روزمره به آرامی عبور می کند. هر پیشامد را حامل پیام و درسی می داند. خود را در ساختن سرنوشت

خود مؤثر می بیند و دنبال انجام درست وظیفه ی خود است. لذا دنبال مقصر کردن این و آن نیست.

طفل همیشه وظایف دیگران را مرور می کند و انسان بالغ در تلاش برای انجام وظیفه ی خودش است. دیگران وظیفه شناس باشند یا نباشند، همگی مان در مقابل یک خدا مسئولیم و باید جواب گو باشیم. انسان بالغ مترصد معجز گرفتن و به رخ کشیدن نقطه ی ضعف ها نیست، بلکه مثبت نگر، شکرگزار، «به به» گو و بانشاط است. خوبی ها را پیدا و بزرگ می کند. آن وقت خوبی ها زیاد می شوند و ایرادها رو به کاستی می گذارند.

۴. سر را بشناس بعد همسر را پیدا کن. اگر فردی با ایمان، کم توقع و نرم خو هستی و می توانی شادی و نشاط را در خودت بیابی و فعال کنی، گوهر خوش بختی با توست، وگرنه منتظر نباش کسی بتواند تو را خوش بخت کند و از ناراحتی ها و ناسازگاری های درونت خلاص سازد.

به جای این که دنبال همسری با همه ی شرایط ایده آل بگردیم، به این موارد بیندیشیم و برای شناخت درست وضعیت خود، به هر مورد نمره بدهیم: شرایط مناسب سنی، ایمان به خدا و دوری از گناهان، اخلاق و برخورد خوب با خانواده و مردم، وضعیت مالی، وضعیت ظاهری، مناسب بودن نوع اشتغال با روحیه و نیازهای یک زن یا مرد متأهل، وضعیت ظاهری، حجاب و پوشش، سازگاری و برخورد درست با مشکلات، مهربانی و احساس مسئولیت نسبت به اطرافیان و مردم، رعایت نظم و ادب، و داشتن هنر و مهارت های مفید برای زندگی. مؤمن کفو مؤمن و مسلمان کفو مسلمان است. هر کس دنبال یک زندگی آرام و رشددهنده است و باید صفات شخصیتی و ایمانی خود را تقویت کند تا لایق همسری سالم، سازگار و با ایمان باشد.

۵. دو سال اول ازدواج این نهال نورسته به مراقبت و مواظبت زیادی نیاز دارد. یعنی اگر این دو سال را به خیر و سلامت پشت سر بگذاریم، دوام زندگی تا حد زیادی تضمین می شود. لذا افراد عاقل هر حرفی را نمی زنند و هر شوخی را مطرح نمی کنند. با ارتباط زیاد با رفقا و محیط کار، برخوردهای خودمانی با غیر محارم، امر و نهی و ایجاد محدودیت های غیر ضرور، خرید کردن پرهزینه و خرج تراشیدن مکرر، و مقایسه ی همسر و خانواده اش با خانواده ی خود، برای یکدیگر سوء تفاهم ایجاد نمی کنند. شخص متأهل با بدگوی از دیگران خود را مطرح نمی کند. هر لباسی را برای جلوه گری مقابل نامحرم نمی پوشد. خود را لباس و زینت همسرش می داند و این بزرگترین و مهم ترین انتخاب زندگی اش را در هر موقعیتی زیر سؤال نمی برد. او با بزرگ کردن و جلوه دادن خوبی ها و توانایی ها، زندگی را برای خود، همسر و فرزندان شیرین تر می کند. چه قدر لازم است که برای داشتن اخلاق زندگی مطالعه کنیم و آموزش ببینیم. شاد بودن از شاد کردن جدا نیست و آن که زنده تر است، زندگی می بخشد، لذا:

نمی توانی دیگران را وادار کنی که تو را دوست داشته باشند، فقط می توانی دوست داشتنی باشی.